**بسمه تعالی**

**بررسی زمینه­های تقویت استراتژی قدرت دریایی ایران متأثر از جنگ روسیه و اوکراین، برای توسعه مسیر احیای تمدن نوین دریایی**

**چکیده:**

*مسکو معتقد است که رویکرد غرب در مورد اوکراین با دو روش گسترش اتحادیه اروپا، موسوم به برنامه مشارکت شرقی و تشویق برای پیوستن به ناتو صورت می­گیرد. از این رو روس­ها معتقدند که اگر کیف به اتحادیه اروپا ملحق شود سایر کشورهای حوزه شوروی سابق نیز به تدریج از حوزه نفوذ کرملین خارج خواهند شد. در واقع پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا نه ‌تنها روسیه را با ناتو هم مرز می­کند، بلکه باعث کاهش نفوذ روسیه خواهد شد. بر هم کنش توازن قدرت در روابط بین قدرت‌های بزرگ در پی حمله نظامی روسیه به اوکراین، به منظور ایجاد یک منطقه حائل بین روسیه و ناتو، می‌تواند در بردارنده فرصت‌ها و تهدیداتی برای کشورهای منطقه، بالاخص جمهوری اسلامی ایران و سیاست خارجی آن باشد. از این رو ایران به عنوان یک قدرت منطقه­ایی باید با در پیش گرفتن سیاستی مبتنی بر توازن مثبت، به دنبال بهره‌برداری حداکثری از این شکاف فعلی ایجاد شده در روابط روسیه و غرب، به نفع منافع و امنیت ملی خود باشد. از طرفی دیگر چون روس­ها منافع محور هستند و از سیاست واقع گرایانه و عمل گرایانه برخوردار می­باشند، ایران مستقل و مقتدر را مکمل ژئوپلیتیکی توسعه نفوذ و آینده خود می­دانند. لذا سعی گردیده در این پژوهش با تاکید بر تعامل دو کشور در حوزه دریایی و ارتقاء سطح همکاری در راستای افزایش قدرت دریایی، با نگاه به مفهوم استراتژی قدرت دریایی و جنبه­های افزایش قدرت ملی که به منافع ملت در دریا مرتبط است، زمینه‌های تقویت استراتژی دریایی هدف­مند و طرح‌های عملیاتی بلند مدت ایران، متأثر از جنگ روسیه و اوکراین که در نهایت موجب تسهیل مسیر احیای تمدن نوین دریایی می­گردد، مورد بررسی قرار گیرد. از این رو در راستای تعالی قدرت دریایی توسط ایران و حتی روسیه، با در نظرگرفتن اقداماتی چون حضور دائم و رسمی ایران در بنادر دریای مدیترانه و دریای سیاه، حضور ناوگان دریایی روسی در خلیج فارس، هم­گرایی بیشتر تهران و مسکو در حل رژیم حقوقی دریای خزر، توسعه همکاری دفاعی-امنیتی دریایی روسیه با ایران، فروش نفت و گاز روسیه از طریق دریای خزر، بهره حداکثری از مسیر دریای خزر در ترانزیت کالا در کریدور شمال\_جنوب و نمایش قدرت اشتراکی ناوگان دریایی روسیه و ایران در اقیانوس­های اطلس و آرام می­توان بستر احیای تمدن نوین دریایی ایران را مهیا نمود.*

 واژه­های کلیدی**:** *روسیه، اوکراین، استراتژی قدرت دریایی، ایران*

**1-مقدمه**:

اوکراین در زمان اتحاد جماهیر شوروی از نظر سیاسی و اقتصادی پس از روسیه دومین قدرت بزرگ در آن مجموعه بود. اگر چه به لحاظ وسعت پس از قزاقستان در جایگاه سوم قرار داشت(zashev,200:5). این کشور به لحاظ وسعت بعد از فرانسه دومین کشور بزرگ اروپا است .بعد از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ ، سیاست خارجی کیف همواره میان غرب و جمهوری فدراتیو روسیه در نوسان بوده است. دولتمردان اوکراینی هیچ­گاه نتوانستند در روابط خارجی به تعادلی پایدار برسند تا از حساسیت­های روسیه و کشورهای غربی نسبت به کشور خود بکاهند(نسرین دخت،48:1385 (یکی از مهمترین دلایل عدم تعادل مذکور ترکیب جمعیتی اوکراین است. زیرا به لحاظ ویژگی­های جمعیتی و زبانی اوکراین به دو دسته تقسیم شده است: یک دسته ساکنان بخش های شرقی و جنوبی اوکراین، از جمله شبه جزیره کریمه و شهر سواستوپل است که اکثراً روسی زبان و بیشتر ارتودوکس می­باشند. این گروه سخت طرفدار روسیه اند. دسته دیگر، ساکنان بخش‌های غربی اوکراین اند که بیشتر کاتولیک و طرفدار نزدیکی روابط با غرب می­باشند. وجود این دوگانگی جمعیت سبب می‌شود تا هر یک از این دو طیف گرایش به روسیه یا اروپای غربی را برطرف کننده مشکلات خود بدانند .به علاوه قرابت جغرافیایی اوکراین با قدرت­های بزرگ، این سرزمین را به یکی از مهم­ترین کانون­های اصطکاک قدرت­ها تبدیل کرده است. همچنین با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی که دارد در سیاست خارجی روسیه و آمریکا از جایگاه مهمی برخوردار است، به­طوری که پس از استقلال اوکراین، سیاست­مداران کاخ کرملین این جمهوری را ملتی مستقل از روس­ها نمی­پنداشتند. ایالات متحد آمریکا نیز با هدف برقراری هژمونی خود در صدد غربی سازی اوکراین و مقابله با نفوذ سنتی روسیه در این کشور است. بحران اوکراین جدیدترین تنش در روابط مسکو وغرب بعد از جنگ سرد به شمار می‌رود. اگر چه برخی بحران‌ها، همانند بحران اوکراین به صورت ناگهانی شعله‌ور می­شود، اما با کنکاشی در دلایل بروز بحران ریشه­های قبلی آن نمایان می­گردد(نونژاد و کریمی،147:1397).

در این میان کشورهایی همانند ایران که در روابط میان روسیه و غرب جایگاه مهمی دارند خواه ناخواه تحت تاثیر رقابت‌ها قرار می‌گیرند .ساختار کنونی نظام بین الملل دو قطبی نیست که کشورها مجبور به طرفداری از یک طرف درگیر باشند اما منافع کشورهایی که عمده رفتارهای آنها بازخورد بین المللی دارد تحت تاثیر بحران­های دامنه­داری مانند اوکراین قرار خواهد گرفت. اوکراین دارای مرز مشترک با ایران نیست و در محیط منطقه­ای ایران قرار نمی­گیرد، لذا بیشتر در پرتو رقابت آمریکا و روسیه بر سر اوکراین منافع ایران تحت تاثیر قرار می گیرد. لذا سعی گردیده در این پژوهش با تاکید بر تعامل دو کشور ایران و روسیه در حوزه­های مختلف و ارتقاء سطح همکاری ، در راستای افزایش قدرت دریایی با نگاه به مفهوم استراتژی قدرت دریایی و جنبه­های افزایش قدرت ملی که به منافع ملت در دریا مرتبط است، زمینه­های تقویت استراتژی دریایی هدف­مند و طرح‌های عملیاتی بلند مدت ایران، متأثر از جنگ روسیه و اوکراین مورد بررسی و همچنین مسیر دست­یابی و احیای تمدن نوین دریایی مورد توجه قرار گیرد.

**2-روش تحقیق:**

پژوهش حاضر، از حیث روش توصیفی\_تحلیلی و با استناد به اسناد کتابخانه­ای­(کتب، نشریات و مقالات) به دنبال بررسی زمینه­های تقویت استراتژی قدرت دریایی ایران متأثر از جنگ روسیه و اوکراین بوده تا با ارائه راهکارهایی ممکن و پیشنهادی، مسیر دست­یابی و احیای تمدن نوین دریایی در ایران هموار گردد.

**3-مبانی نظری:**

**1-3-استراتژی دریایی:**

بررسی تاریخ استراتژی دریایی در طول ۱۰۰ سال گذشته نشان می‌دهد که استراتژی دریایی زیر مجموعه ای از استراتژی بزرگ ملی است. زیرا در کل گستره فعالیت ها و منافع دریایی و ساحل را مورد توجه قرار می دهد. استراتژی بزرگ، مسیر جامع قدرت برای دستیابی به اهداف ملی است و استراتژی دریایی در جهت تمام جنبه های قدرت ملی است که به منافع ملت در دریا مرتبط است(hattendorf,2013:7).

با پذیرش این نکته که استراتژیست، اولویت‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی­ها و تصمیم­گیری­ها را مشخص می­کند، استراتژی درست دریایی از موضوعات اساسی و پایه­ای سیاست­گذاری کشورها است. استراتژی دریایی هر کشوری به نسبت چالش­ها، تهدیدات، فرصت­ها وتوانمندی­ها، بلندپروازی‌های آن تقریباً متفاوت بوده است و نمی­توان به دیدگاه جامع و کاملی از این منظر دست پیدا کرد. مفهوم استراتژی قدرت دریایی آن است که دریا یک فضای گسترده است که می­توان از آن برای غلبه بر چالش­های جغرافیایی، دیپلماتیک یا نظامی استفاده نمود. الزامات استراتژی سهم مولفه­ی دریایی را در جلوگیری و در صورت لزوم پیروزی در درگیری­ها برای نیل به اهداف ملی تشریح می­نمایند(گری،۱۳۸۵: ۴۵).

آنچه مشخص است در طول قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی ابتدا استراتژی دریایی عمدتاً بر نقش نیروی دریایی در زمان جنگ متمرکز شده بود و محوریت آن ناوگان نظامی محسوب می­شود. دامنه این مفهوم در طول قرن بیست­و­یکم میلادی از یک مجموعه ناوهای نظامی به کل گستره فعالیت­های دریایی گسترش پیدا کرد. در این دوره استراتژی دریایی در جهت تمام جنبه­های قدرت ملی است که به منافع ملت در دریا مرتبط بوده و نیروی دریایی به این هدف خدمت می‌کند. اما استراتژی دریایی صرفاً دفاع دریایی نبود، استراتژی دریایی در برگیرنده دیگر اجزای قدرت است که شامل دیپلماسی، امنیت و دفاع، تجارت در دریا ،ماهیگیری، بهره‌برداری، حفاظت، تنظیم و دفاع از منطقه انحصاری اقتصادی در دریا ،دفاع ساحلی، امنیت مرزهای ملی، حفاظت از جزایر ساحلی و همچنین مشارکت در نگرانی­های منطقه­ای و جهانی مربوط به استفاده از اقیانوس­ها، آسمان بالای اقیانوس ها و زیر دریاها است.(Hattendorf, 2013)

در سال­های اخیر در استراتژی و ژئوپلیتیک دریایی چرخش عمده‌ای از داشتن قدرت در دریا، به اعمال قدرت از دریا به وجود آمده است. از این رو مفهوم قدرت دریایی خیلی فراتر از داشتن شناورهای خاکستری رنگ با شماره­های حک شده در بغل آنها است.(Till, 2004:2) برای استراتژیست­ها بهره­گیری از دریا منوط به تدوین راهکارهای هدف­مند و طرح‌های عملیاتی بلندمدت است. استراتژی دریایی به معنای توانایی یک کشور در استفاده کامل آزادانه و امن از دریاها برای دستیابی به اهداف ملی است.(کریمی­پور و همکاران،1:1397)

اندیشمندان قدرت دریایی از جمله ماهان علیرغم اشاره به دیگر مؤلفه‌های قدرت دریایی، در ابتدای بحث خود، موضوع استراتژی دریایی را مختص به منبع خاصی از قدرت، از جمله نیروی دریایی کرده‌اند. باید در نظر داشت که نیروی دریایی و قدرت دریایی یکسان نبوده و نیروهای دریایی تنها بخشی از قدرت دریایی است، بنابراین استراتژی دریایی صرفاً درباره شناورهای نظامی یا نیروی دریایی نیست بلکه سایر جنبه­های قدرت دریایی از جمله اقتصاد دریایی را نیز شامل می­شود.

**2-3-نظریه قدرت دریایی ماهان**

آلفرد تاير ماهان (1840-1914) مفهوم قدرت دريايي را موضوع مورد بحث سياست­های جهاني قرار داد(Modelski and Thompson,1988:8)ماهان از شش عنصر قدرت دريايي نام مي­برد که قدرت دريايي کشورها تا حدود زيادی به آن­ها بستگي دارد؛ چهار عنصر از اين عناصر کاملاً جغرافيايي است. اين عناصر عبارتند از: 1)موقعيت جغرافيايي )داشتن موقعيت دريايي)؛ 2)پيکربندی فيزيکي (ويژگي­های طبیعي و اقليم منطقه ساحلي)؛ 3)وسعت سرزمين(طول ساحل)؛ 4)تعداد جمعيت؛ 5)خصوصيات ملي؛ 6 )خط­مشي حکومت و رهبران سياسي و نهادهای ملي(Mahan,1988:34-79). استراتژی ماهان مانند ديگر تفکرات استراتژيک، با توجه به شرايط سياسي و توسعه حمل و نقل زمان خود نوشته شده بود.

**2-4-ژئوپلیتیک دریایی :**

ژئوپلیتیک دریایی همان منطق اندیشه­های ژئوپلیتیک را دارد و البته به طور انحصاری تاکید بر تعامل آب اعم از اقیانوس، دریا، دریاچه، تنگه و آب‌راه است. ماهان اولین کسی بود که به طور نظری به قدرت دریایی پرداخت. دریاسالار آلفرد تایر ماهان بر این باور بود که اولین قدم در راه به دست آوردن قدرت برتر جهانی کنترل و نظارت بر دریاهاست. به نظر ماهان در نزاع بین قدرت‌ها نیروهایی که در موقعیت دریایی قرار دارند از امکانات بیشتری برای در دست گرفتن ابتکار عمل برخوردارند. او برای نمونه روسیه را مثال می‌زند که وسعت زیاد این کشور تبدیل به نفوذ متناسب با آن بر جهان نشده است و در صورتی که نتواند به مناطق دریای آزاد دست یابد حتی اگر این امپراتوری در هم شکسته نشود بدون توسعه باقی خواهد ماند(عزتی،5:1387).

ماهان بر این باور بود که قدرت­های اقیانوسی همیشه دست بالا را خواهند داشت. چرا که قدرت خشکی محاصره شده از سوی یک قدرت دریایی است. کتاب ماهان به نام تاثیر و نفوذ قدرت دریایی در تاریخ به سرعت توجه محافل سیاسی جهان را به خود جلب کرد. هنوز در بیشتر دوره­های تحصیلی نیروی دریایی و گفتگوهای دانشگاهی از اندیشه­های ماهان بحث می­شود. مخارج و تمرکز بیشتر قدرت های بزرگ جهانی در حوزه دریای حاکی از آن است که نیروی دریایی هنوز از مهمترین ارکان قدرت کشورها است(widen,2015:252).

در آثار" ماهان "و نوشته‌های تاریخی و نظری"سر جولیان کوربت"به نقش کلی قدرت دریایی در تاریخ استراتژی و نیز امتیازات و محدودیت­های آینده­ی قدرت دریایی در قرن بیست و یکم اشاره شده است. در این میان امتیازات ذاتی قدرت دریایی عبارت است از : قدرت تطابق، انعطاف و تحرک بر سطح ، در عمق و بر فراز محیطی که بخش اعظم سطح کره­ی زمین را پوشانده و خشکی­های جزیره مانند آن را احاطه کرده است(گری،45:1385).

**2-5-تمدن نوین دریایی:**

تمدن، مفهومی است که به معانی مختلف به کار می‌رود. ابن‌خلدون تمدن را حالت اجماعی انسان می‌داند. آرنولد توین بی، ‌مورخ انگلیسی معتقد است که تمدن حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآورست؛ یعنی طبقه ممتازی در جامعه که دارای نبوغ، ابتکار و نوآوری هستند و بر اثر تحولات و سیر تکامل جامعه، تمدن را پدید می‌آورند. وی در ادامه می‌نویسد: تمدن عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشریت بتواند با همنوایی در کنار یکدیگر و به منزله اعضای یک خانواده کامل و جامع در درون آن زندگی کند. ویل دورانت نیز در تعریف تمدن به عوامل و زمینه‌هایی که در ساختن و پرداختن هر تمدنی نقش دارند، اشاره کرده است و می‌نویسد :تمدن عبارت است از خلاقیت فرهنگی که خود در نتیجه وجود نظم اجتماعی و حکومت قانون و رفاه نسبی امکان وجود می‌یابد. بر اساس آنچه گفته شد تمدن با فرهنگ تفاوت دارد. البته در برخی تعاریف، تمدن و فرهنگ، یکی دانسته شده است(ابن خلدون،1359: توین بی،1376: دورانت،1391). این دو مفهوم را می‌توان این گونه از هم متمایز کرد: تمدن بیشتر معنای جنبه‌های مادی ساخته‌های انسانی، همچون معماری و شهرسازی و فناوری را به خود گرفته است و فرهنگ بیشتر جنبه‌های معنوی زندگی جمعی انسان‌ها، همانند آیین‌ها و آداب، زبان، دین و دانش را پوشش می­دهد. برخی دیگر فرهنگ را بعد روحی تمدن نیز می­دانند.

در تعریف تمدن چه لغوی، چه اصطلاحی و چه از نظر اندیشمندان و متفکران شاید تفاوت ناچیزی دیده شود، اما به طور کلی و خلاصه می توان گفت: تمدن، شهر‌نشین شدن یا حالت اجماعی انسان است که بر اساس ضرورت و غلبه بر سختی­ها و مشکلات با همکاری هم نسبت به فراهم ساختن اسباب ترقی در امور زندگانی و آسایش خود و جامعه اقدام می­نمایند. از این رو برای جامعه­ی انسانی که به علت مجاورت با دریا، زندگی و روزگارش به آن وابسته و پیوسته شده است، نگارندگان تعریفی از تمدن دریایی ارائه می­دهند، به این شرح که: تمدن دریایی چشم­انداز انسانی است که به موجب نیاز و غلبه بر مشکلات، با استفاده از نبوغ، نوآوری و فرهنگ خود بر بستر چشم­انداز طبیعی سواحل دریا پدید آورده تا ضمن ایجاد رفاه و آسایش نسبی، شرایط تعالی و تکامل همه جانبه جامعه را فراهم آورد. بديهي است در دنياي پيچيده كنوني، کشورهايي در رقابت با ساير کشورها موفق و قادر به ادامه حيات مي­باشند كه مدام در حال تفكر و ايجاد افكار و انديشه­هاي جديد باشد تا در سیاست خود كاربردي كرده و بتوانند از فرصت­هاي پيش­رو، به بهترين نحو استفاده كنند و اين امر ميسر نمي­گردد، مگر با درايت و خلاقيت رهبران و نيز همراهی آحاد جامعه با خط مشی­ها و مسیر نیل به سمت اهداف ملی، كه با كمك يكديگر در جهت رشد و بالندگي کشور خود بكوشند.

در بررسی نظریه­ها و تعاریف مربوط به استراتژی و قدرت دریایی مشاهده می­گردد که، تقویت استراتژی دریایی در دوره کنونی نیازمند توسعه و پیشبرد مؤلفه­هایی است که از تعاریف بالا می­توان آن­ها را به شرح ذیل استخراج نمود.

1)تاکید بر رشد توان نظامی و اعمال قدرت در دریا

2)تقویت الگوی تعامل و حتی رقابت اقتصادی

3)توجه بیشتر به دیپلماسی در تقویت استراتژی دریایی

4)تبدیل تهدیدات و چالش­های منطقه­ای به فرصت حضور مقتدرانه در دریا

5)تاکید بیشتر برجنبه­های قدرت دریایی از جمله اقتصاد دریایی

**4-یافته های تحقیق:**

**1-4-اهمیت دریاها برای روسیه:**

روسیه در آسیای شمالی و اروپای شرقی واقع است و با اقیانوس آرام شمالی و اقیانوس منجمد شمالی؛ و نیز با دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک مرز آبی دارد. این کشور پهناور، با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز زمینی دارد و با کشورهای پیرامون دریای برینگ، دریای ژاپن، دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک ارتباط دریایی دارد. بر این اساس مشخص است که روسیه مرزهای دریایی بسیاری دارد، اما اغلب این مرزها، در بیشتر اوقات سال یخ زده و منجمد هستند و در عمل کارایی تجاری و نظامی چندانی ندارند.

روسیه در پی تقویت جایگاه خود در اوراسیا به عنوان یکی از قطب­ها و مراکز قدرت جهانی است .بیشتر قدرت­های بزرگ در گذشته و حال ، مانند هلند) قرن ۱۷ (،بریتانیا )قرن18و ۱۹(، آمریکا (قرن ۲۰ و21 ) و چین( در قرن ۲۱) نیروی دریایی قدرت­مندی داشته­اند .روسیه نیز تشخیص داده است که اگر می‌خواهد جایگاه خود در سیاست بین­الملل را باز یابد، باید در حوزه دریایی که اهمیت تجاری و امنیتی فراوانی دارد قدرت­مندتر شود در چنین شرایطی است که دریای سیاه و مدیترانه به دلیل موقعیت برجسته ژئوپلیتیکی‌اش برای این کشور اهمیت بسیاری دارند .این دریاها به دلیل نزدیکی به روسیه و نیز حضور گسترده ناتو در سواحل این دو دریا (سه کشور ترکیه، رومانی و بلغارستان در دریای سیاه و هفت کشور فرانسه، ایتالیا، یونان، اسپانیا، اسلوونی، آلبانی، بوسنی و هرزگوین و کرواسی) اهمیت ژئوپلیتیکی و امنیتی زیادی برای روسیه دارند.

روسیه از ابتدای قرن بیست و یکم توجه دوباره­ای به این دریاهای مهم و به تبع آن بهبود روابط با کشورهای ساحلی این مناطق نشان داده است .بعد از فروپاشی اتحاد شوروی نیروی دریایی گسترده این کشور از همه نظر بسیار ضعیف شد. نیمی از نیروی انسانی آن کاهش یافت و در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ بودجه نیروی نظامی روسی ۵ درصد کاهش یافت .در واقع در دهه ۱۹۹۰ به دلیل مشکلات اقتصادی و نیز خواست مقام­های وقت روسیه مبنی بر کاهش بودجه نظامی قدرت دریایی روسیه بسیار کاهش پیدا کرده بود. اما امروزه بنا بر برآورد موسسه پژوهشی بین المللی صلح روسیه در سال ۲۰۱۵ بودجه نیروی نظامی روسیه نسبت به سال قبل از آن هفت­ونیم درصد افزایش داشته است، که این معادل چهار و نیم درصد کل بودجه این کشور است. بخش مهمی از این بودجه نیز به نیروی دریایی اختصاص یافته استsrivastava,2016:9)).

به عنوان نمونه، دریای سیاه که چهارراه راهبردی شرق\_غرب و شمال \_جنوب است و با موقعیت ویژه جغرافیایی خود موجب جذب قدرت­های خارجی شده است .برای روسیه به عنوان پنجره در آب­های گرم تلقی می شود و با توجه به این­که دسترسی به خلیج فارس و دریای عمان مقدور نیست نزدیک­ترین و مطمئن­ترین مسیر روسیه به آبهای آزاد همچون مدیترانه و اقیانوس هند از راه این دریا می­باشد. هدف­های اصلی روسیه از حضور در دریای سیاه حفاظت از نوار جنوبی روسیه و جلوگیری از نفوذ بیشتر ناتو در این منطقه است. همچنین به لحاظ اکونومیکی کنترل بر دریای سیاه موضوع روسیه را در نظارت بر خطوط لوله گاز این کشور تقویت می کند(Srivastava,2016:5).

هدف­های روسیه در دریای سیاه را می‌توان در این محورها خلاصه کرد:

 ۱) حفاظت از منطقه انحصاری اقتصادی

 (2تامین امنیت خطوط دریای ارتباطی دریای سیاه

(3 حفظ تسلط نظامی در دریای سیاه با کنترل مطلق ارتباطات این دریا و مقابله با حضور نیروهای دولت­های غیر ساحلی به ویژه ناتو

4) حفاظت و ارتقاء منافع اقتصادی و امنیتی در مدیترانه (Delano, 2014:367).

در عرصه نظریه پردازی در خصوص اهمیت دریاها اثر "آلفرد تایر ماهان "با عنوان" تاثیر قدرت دریایی در تاریخ "از جایگاه ویژه ای برخوردار است. از نظر ماهان آنجا که نقل و انتقال از طریق دریا آسان­تر از زمین می­باشد و سرزمین­ها در محاصره اقیانوس­ها می­باشند، کشورهایی که اقیانوس­ها را در دسترس داشته باشند از امکانات بیشتری برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی برخوردارند(Dougherty,1998:119) . از آنجایی که روسیه از نظر استراتژیکی یک قدرت منطقه­ای محسوب می شود برای حفظ و تقویت جایگاه خود همواره به دنبال دسترسی به آب­های گرم و آزاد بوده است. با نگاهی به تاریخ و وضع جغرافیایی روسیه می‌بینیم که این کشور بر پایه یک جبر جغرافیایی و ژئوپلیتیک چاره‌ای جز دسترسی تضمین شده به آب­های دریای سیاه به عنوان دروازه ورود به مدیترانه و پیگیری اهداف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود نداشته و این دسترسی به عنوان یکی از بزرگترین دغدغه­های این کشور مطرح بوده است .در این زمینه بسیاری از کنش های سیاسی رهبران این کشور در دوره تزاری تا به دوره روسیه فدراتیو به طور عمده تحت تاثیر بایسته‌های ژئوپلیتیک روسیه برای دسترسی به آبهای آزاد بوده است. بر اساس یکی از مهمترین دلایل اهمیت اوکراین برای روسیه از حیث ژئوپلیتیک تسلط بر این کشور با هدف تضمین دسترسی به دریای آزاد است.(ترابی و کیانی،1393)

در سیصد و بیست سال گذشته نیروی دریایی روسیه کار ویژه­ای چون تضمین دسترسی دریایی به جهان با توسل به جنگ، حمایت از نیروی زمینی در برابر گسترش های امپریالیستی، دفع مهاجمان و بازدارندگی راهبردی هسته‌ای داشته است. در سندی که اداره اطلاعات نیروی دریایی روسیه در دسامبر ۲۰۱۵ منتشر کرده آمده است که نیروی دریایی این کشور موقعیت منعطفی برای روسیه فراهم می‌کند. هدف اعلامی پوتین برای بازگرداندن جایگاه قدرت روسیه را تقویت می­کند. در کنار دفاع ملی نیروی دریایی باید چند ماموریتی باشد، به ویژه در خدمت هدف های اقتصادی روسیه با جدیدترین تجهیزات باشد. در مقدمه این سند آمده است که روسیه در قرن بیست و یکم گام­های بلندی در زمینه قدرت دریایی خواهد برداشت، تا بتواند حضور چشمگیر و البته محدودی در مناطق دور دست جهان با نسل جدیدی از افسران پسا شوروی داشته باشد. بازدارندگی، دفاع و نمایش ماموریت نیروی دریایی روسیه در زمان صلح هستند. در زمان صلح نمایش از همه مهم­تر است چرا که شامل ابزار دولت برای حمایت از سیاست خارجی است. از برتری های نیروی دریایی این است که دفاع زمینی دقیقاً از مرزهای یک کشور شروع می شود اما با استفاده از نیروی دریایی می‌توان کیلومترها دورتر از خاک خود از کشور دفاع کرد. این سند به روشنی بیان می کند که این دسترسی از دریای بالتیک تا دریای سیاه هنوز متکی به ترکیب دیپلماسی و قدرت نظامی است(office of naval intelligence,2015:1).

در سند مفهوم امنیت ملی فدراسیون روسیه نیز که در نوامبر ۲۰۱۶ به امضای پوتین رسید بر مناطق آبی تاکید شده است .در ماده ۴۴ این سند آمده است" با توجه به اینکه مسیرها و فضای دریایی به طور فزاینده در ایجاد توسعه اقتصادی و امنیت افزایش یافته است، روسیه نیز باید از این فرصت استفاده کند". این سند تاکید می‌کند که روسیه باید بنا به ضرورت تاریخی و ژئوپلیتیکی اش تلاش کند تا یکی از مهم­ترین قدرت­های دریایی جهان باقی بماند و هم زمان احاطه‌‌اش بر سه اقیانوس جهان حفظ شود(The ministry of foreign affairs of the Russian federation, 2016).

**2-4-تقابل روسیه و اوکراین در شبه­جزیره­کریمه :**

در چارچوب توافق نامه ۲۵ فوریه ۲۰۱۳ بروکسل، رئیس جمهور اوکراین با مسئولین اتحادیه اروپا به توافق رسید که در جهت امضای نهایی قرارداد تشکیل منطقه آزاد تجاری بین اتحادیه اروپا و اوکراین)که مذاکرات در خصوص آن از ۱۹۹۹ آغاز شده بود ( تا نوامبر ۲۰۱۳ به یک مجموعه از اصلاحات در دستگاه قضایی و سیستم انتخاباتی اوکراین دست بزند .اما در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ یانوکوویچ در لیتوانی اعلام کرد که موافقت نامه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا را امضا نمی کند .( Moroney, 2002:1) لذا جرقه بحران ۲۰۱۴ اوکراین زمانی زده شد که ویکتور یانوکوویچ رئیس جمهوری این کشور تحت فشار روسیه از امضای توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا خودداری کرد. مخالفان رئیس جمهور در اعتراض به این اقدام وی به خیابان‌ها آمدند. نهایتاً با گسترش اعتراضات خیابانی و کشته شدن ۵ نفر، یانوکوویچ با رای پارلمان از سمت ریاست جمهوری عزل شد و به روسیه گریخت. پس از این حوادث نیروهای روسیه شبه جزیره کریمه را با بهانه حمایت از روس تبار های این منطقه، اشغال کردند. سپس با برگزاری رفراندوم در ۱۶ مارس ۲۰۱۴ شبه­جزیره­کریمه به طور رسمی بخشی از خاک روسیه شد(alpher,2014:4).

وقایع شبه جزیره کریمه مهمترین عامل تقابل روسیه و غرب در ماجرای اوکراین را فراهم کرد. درگیری­ها در کریمه از ۲۳ فوریه و با تظاهرات طرفداران روسیه آغاز شد. از ۲۶ فوریه نیروهای روس­گرا به سرعت اقدام به تصرف مواضع راهبردی زیر ساخت‌های کریمه کردند. برخی از رسانه‌ها مدعی بودند که در میان شورشیان نیروهایی با سلاح ها و یونیفرم­های روسی حضور داشتند. به هر حال این نیروها به سرعت توانستند مکان­های راهبردی در کریمه ازجمله پارلمان این منطقه را به تصرف خود در آورند. در پی این تحولات پارلمان منطقه خودمختار کریمه با برگزاری جلسه­ای سقوط دولت این منطقه و تغییر نخست وزیر را اعلام کرد و خواستار برگزاری همه پرسی برای استقلال این منطقه شد. با همکاری مسکو این همه پرسی در مارس ۲۰۱۴ برگزار شد. بعد از الحاق کریمه به خاک روسیه تنش ها در شرق اوکراین و در مناطق دونتسک و لوهانسک و خارکیف شروع شد، که در نهایت به تسخیر ساختمان های دولتی توسط مخالفان در مناطق دونتسک و لوهانسک انجامید. دولت اوکراین با تروریست خواندن گروه هایی که ساختمان‌های دولتی را تسخیر کرده اند به عملیاتی نظامی برای پایان دادن به اقدامات و تحرکات آنها دست زد. با مقاومتی که از ناحیه گروه های مذکور با پشتیبانی روسیه صورت گرفت این عملیات حاصلی در بر نداشت.در روز ۱۷ آوریل در نشستی در ژنو میان وزرای خارجه آمریکا، روسیه ،اوکراین و مسئول سیاست خارجی اروپا توافقی برای پایان دادن به ناآرامی ها و درگیری ها حاصل شد که البته هیچگاه به اجرا در نیامد..(wang,2015:9)

به دنبال این وقایع انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۲۵ مه ۲۰۱۴ در مناطق تحت کنترل دولت اوکراین برگزار شد و پترو پروشنکو ۴۸ ساله، تاجر و میلیاردر اوکراینی با کسب اکثریت آرا در دوره اول انتخابات پیروز شد. استقلال طلبان طرفدار روسیه روز بعد از انتخابات به فرودگاه استان واقع در شرق اوکراین یورش برده و آن را به تصرف کامل خود در آوردند. در حالی است که برگزار کنندگان و حامیان غربی انتخابات انتظار داشتند اعلام نتایج باعث تخفیف ناآرامی‌های شود. که بیشترمرکز اصلی جدایی طلبان و چند شهر و روستای کوچک دیگر به دست دولت اوکراین افتاد. دو هواپیمای نظامی اوکراینی از سوی جدایی‌طلبان هدف قرار گرفتند و در نهایت نیز هواپیمای بوئینگ ۷۷۷ خطوط هوایی مالزی با حدود ۳۰۰ مسافر در فضای هوایی منطقه ۱۰ به وسیله ای که هنوز مشخص نیست به دستور چه کسی و از سوی کدام یک از طرفین درگیری پرتاب شده مورد هدف قرار گرفت و تمامی سرنشینان آن کشته شدند(Sputnik,2015).

عامل متفاوتی دیگری وجود دارد که اوکراین و روسیه را به مداخله و درگیری نظامی وادار می­کند، این عامل ژئوپلیتیک این دو کشور است و مهم­ترین بعد ژئوپلیتیکی این دو کشور نیز مربوط به جغرافیای دریایی آنها و داشتن ساحل در دو دریای مهم سیاه و مدیترانه است. اوکراین و سوریه مشرف بر دو دریای مهم یعنی دریای سیاه و مدیترانه هستند، که روسیه در آنها پایگاه­های نظامی دارد. از این رو مسئله اهمیت دریا در سیاست دفاعی و امنیتی روسیه یکی از دریچه­های است که می‌توان از آن به سیاست­های روسیه در این دو کشور نگاه کرد .اهمیت این مسئله پیش از بحران­های سوریه و اوکراین نیز دیده می­شد و از سال­ها پیش پژوهشگران پی برده بودند که روسیه یکی از ابزارهای اساسی خیزش دوباره خود را در نیروی دریایی جستجو می‌کند .شایان توجه آن که مقام­های روسیه در دهه ۱۹۹۰ در پی قانع کردن افکارعمومی بودند تا نشان دهند این بندرها و پایگاه­های خارجی نه تنها برای روسیه هیچ نفعی ندارند، بلکه به دلایل بار مالی آن­ها از دلایل ورشکستگی روسیه نیز هستند. اما10 سال بعد، آن­ها به یکی از ابزارهای مهم بازیابی قدرت روسیه در مناطقی تبدیل شده‌اند که این کشور در آنجا منافع ویژه دارد(willet,2009:5)**.**

**3-4-منافع روسیه در اوکراین و تنازع غرب با آن:**

در پاسخ به تحرکات روسیه در کریمه، آمریکا و اتحادیه اروپا در سه مرحله اشخاص درگیر و مسئول در جریان الحاق کریمه به روسیه را مورد تحریم قرار دادند. فشار های دیگری نیز از مجاری مختلف از سوی غرب در مسکو وارد شد .کنار گذاشتن روسیه از گروه جی ۸ ،قطع برخی همکاری‌ها در زمینه های امنیتی نظامی و تکنولوژیکی با روسیه ،تحریم اقتصادی روسیه ،تصویب یک قطعنامه در مورد غیرقانونی بودن الحاق کریمه به خاک روسیه در مجمع عمومی سازمان ملل، افزایش تحرکات و حضور ناتو در دریای سیاه و همچنین کشورهای عضو ناتو که در همسایگی روسیه قرار دارند از جمله اقداماتی بود که از سوی غرب به سرکردگی آمریکا جهت فشار بر روسیه به خاطر رفتارش در اوکراین صورت گرفت.

روسیه با تصرف کریمه توانست موازنه قدرت منطقه را به نفع خود تغییر دهد. این کشور با پیوند کریمه توانست نصف سواحل اوکراین را در دریای سیاه تصاحب کند و تسلط بیشتری بر این دریا داشته باشد. قبل از تصرف کریمه ۴۰۰ کیلومتر ساحل دریای سیاه در اختیار روسیه بود که با تصرف کریمه و بخش‌هایی از گرجستان بعد از ترکیه دومین کشور بزرگ ساحلی دریای سیاه شد و سهم اوکراین به ۳۵۰ کیلومتر کاهش یافت. همچنین روسیه با به دست آوردن حاکمیت کامل بر دونتسک و لوهانسک می­تواند آزادانه و به دور از محدودیت­های اوکراین یک پایگاه نظامی همه جانبه با انواع کشتی­های جنگی و نیروهای زمینی و هوایی در این شبه جزیره اجرا کند. از طرفی به لحاظ راهبردی اوکراین، از چهار قرن گذشته در نقشه اروپا و روسیه و پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی نیز مرز اتحادیه اروپا با روسیه بوده است. بنابراین اوکراین به عنوان سنگرگاه روسیه در برابر ناتو و همچنین دیوار شرقی روسیه علیه اروپا عمل کرده است در واقع اوکراین برای روسیه علاوه بر رقابت ژئوپلیتیک در حوزه ژئو استراتژیک هم مطلوبیت راهبردی داشته زیرا ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه نیز در بندر سواستوپل در شبه‌جزیره کریمه مستقر بوده و این مکان برای روسیه اهمیت راهبردی داشته است)بهمن،۱۳۹۳:۵۶(.

با توجه به موارد یاد شده اکثر استراتژیست‌ها معتقدند روسیه با اوکراین یک قدرت جهانی است و روسیه بدون اوکراین چیزی فراتر از قدرتی منطقه‌ای نیست. لذا از دید راهبردی اوکراین در کانون تمرکز مسکو است. از این رو مقامات روسیه تحولات اخیر در کیف را غیر قابل قبول ،اقدام کودتایی و افراط گرایانه توصیف کردند و برکناری یانوکوویچ از قدرت را انقلاب قهوه­ای یا انقلاب فاشیستی نامیدند و پیروان استفان باندرا را پیروز محض این جریان تلقی کردند. بر این اساس روس­ها معتقدند رویکرد غرب در مورد اوکراین با دو روش گسترش اتحادیه اروپا موسوم به برنامه مشارکت شرقی) که موجب افزایش نفوذ بروکسل می­شود( و کاهش نفوذ روسیه و تشویق برای پیوستن به ناتو صورت می­گیرد. از این‌رو مسکو معتقد است که اوکراین در نوک پیکان تقابل روسیه با غرب قرار دارد و اگر کیف به اتحادیه اروپا ملحق شود سایر کشورهای حوزه شوروی سابق نیز به تدریج از حوزه نفوذ کرملین خارج خواهند شد. در واقع پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا نه‌تنها روسیه را با ناتو هم مرز می کند، بلکه عملاً طرح ولادیمیر پوتین برای تشکیل بلوکی به رهبری مسکو را به خطر می‌اندازد. زیرا اگر اوکراین از این بلوک ژئوپلیتیکی خارج شود، فقط کشورهای استقلال یافته شوروی سابق ،که اکثراً حکومت­های دیکتاتوری دارند در آن حضور خواهند داشت. بی شک چنین امری برای وجهه بین المللی اتحادیه اوراسیایی پوتین مطلوب نخواهد بود. در این راستا مسکو خواهان دولتی روس­گرا در اوکراین است و لذا کشوری غرب­گرا و عضو ناتو را تحمل نخواهد کرد(نونژاد و کریمی،156:1396).

در مجموع بحران اوکراین باعث علنی تر شدن رقابتهای ژئوپلیتیک میان روسیه و آمریکا در مناطق مختلف جهان شده است که می‌توان به سیاست­های دو طرف در خصوص مسائل خاورمیانه اشاره کرد .روسیه به گسترش روابط با کشورهایی مانند ایران، سوریه، عراق، مصر و همچنین حزب الله لبنان گرایش بیشتری پیدا کرده است. این مسئله را می‌توان در آمریکای لاتین و افزایش مناسبات مسکو با کشورهای این حوزه نیز مشاهده کرد. همچنین مسکو به انحای مختلف دست به حمایت از راست گراها و چپ­گراها در کشورهای مختلف اروپایی زده، که چنین امری ممکن است در آینده فضای اروپا را به نفع روسیه تغییر دهد(بهمن، ۱۳۹۴: ۴۳\_۷۸).

**4-4-ساختار روابط ژئوپلیتیکی ایران و روسیه با نگاهی بر تقابل روسیه و اوکراین:**

**1-4-4-همسویی ایران با روسیه:**

جمهوری اسلامی ایران از زمان شکل گیری تا کنون به بسیاری از قواعد نظم بین الملل اعتراض داشته و آنها را نابرابر و به نفع قدرت­های بزرگ می­داند .تنش میان مسکو و غرب در اوکراین از آنجا که یک قدرت بزرگ را در برابر ناظم نظم کنونی قرار داده است، با اهداف کلی ایران در سطح بین المللی همخوانی دارد .پوتین در جریان امضای توافق الحاق کریمه با تاختن کوبنده به رویکرد یکجانبه‌گرایی در نظام بین الملل گفت :غربی‌ها به رهبری آمریکا فکر می‌کنند که از سوی خدا مامور شده‌اند تا درباره سرنوشت مردمان دیگر تصمیم بگیرند .وی همچنان عنوان کرد که غربی‌ها دائماً تلاش کرده‌اند ما را به گوشه ای برانند، به خاطر اینکه بر استقلال خود ایستاده و از آن دفاع می­کنیم. رئیس جمهور روسیه به صراحت رویکرد یکجانبه‌گرایی در نظام بین الملل را مورد هدف قرار داده و به طوری که اظهار نمود که" به نظر من وقتی جهان تک قطبی بشود یا از زمانی که کسی تلاش کند آن را به این شکل در بیاورد همواره یک قطب این توهم را دارد که همه مسائل را می­توان از طریق قدرت حل و فصل نمود." پوتین یکی از ویژگی‌های مهم نظم جهانی مطلوب خود را اینگونه معرفی می­کند: تنها زمانی که یک توازن قوا وجود داشته باشد شرایط مطلوب برای مذاکره در مورد مسائل جهانی فراهم می شود(Putin,2014).

این سخنان در راستای خواسته­های جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تاکنون بوده است .این­که رئیس جمهوری یک قدرت بزرگ نیز در مورد عدم مطلوبیت نظم بین­المللی کنونی به زبانی مشابه با زبان ایرانی­ها حرف می­زند، برای ایران باعث اهمیت است. نکته مهم دیگر این است که تفکر اورآسیاگرایان حاکم بر روسیه فعلی این است که جهانی شدن همان غربی شدن و آمریکایی شدن است، که باید در مقابل آن ایستاد .این نگاه با نگرش جمهوری اسلامی در مورد نظم جهانی قرابت زیادی دارد. از طرفی همه تحریم­های وضع شده علیه جمهوری اسلامی ایران ناشی از برنامه هسته­ای نیست و حتی در صورت حل و فصل کامل مسئله هسته‌ای برخی تحریم­ها کماکان به قوت خود باقی خواهند ماند .با اوج‌گیری جنگ روسیه و اوکراین، مسکو نیز بیش از گذشته تحت تحریم­های غرب قرار گرفته که همین امر هم به نوبه خود زمینه هم­گرایی بیشتر مسکو و تهران را فراهم می­نماید.

**2-4-4-منافع روسیه در ایران:**

روس­ها چون منافع محور هستند و از سیاست واقع­گرایانه و عمل­گرایانه برخوردار می­باشند حتماً ایران مستقل و مقتدر نظر آنها را جلب خواهد کرد و بالاجبار با آن هم­سو خواهند شد و چنین ایرانی را مکمل ژئوپلیتیکی توسعه نفوذ و آینده خود می­دانند. نخبگان روسیه به ویژه اوراسیاگراها معتقد هستند ایران آینده، کشوری خواهد بود به عنوان قدرتی آینده دار، اصیل، نوسازی جسورانه تکنولوژیکی، با اتکا بر سنت­های چندین هزارساله و تجربه تمدنی منحصربه فرد که می­تواند برای روسیه نقش متحدی را بازی کند که با کمک او می­توان از غلتیدن جهان به هرج و مرج جلوگیری کرده و نظم جدید عادلانه جهانی را برقرار کرد. لذا روس­ها با ایران ضعیف، رخنه­پذیر و با تردید، محتاطانه و محافظه کارانه برخورد خواهند کرد و برعکس به ایران مستقل قدرتمند نزدیک خواهند شد. چرا که بر این باورند در برهه کنونی ایران قوی منطقه­ای نه تنها خطری برای روسیه ندارد بلکه روس­ها می­توانند با چنین کشوری در منطقه جنوب غرب آسیا به راحتی کار کنند. آنها بر اساس نظریه­های موازنه قدرت و موازنه تهدید معتقد هستند هرچه ایران قوی­تر باشد قدرت ایستادگی در برابر دشمن ژئواستراتژیک شان (آمریکا) بیشتر می­شود و به همین دلیل تمام تلاش خود را خواهند کرد اختلافاتی مانند آنچه بین ایران و عربستان مطرح هست را برطرف نمایند، تا راه توسعه نفوذ خود را هموارتر کنند. لذا روس­ها متوجه هستند که ضعیف شدن جمهوری اسلامی ایران یعنی رسیدن بحران فشار غرب و افراط گرایی اسلامی به روسیه و لذا برای دفع تهدید مشترک (آمریکا و متحدین) و توسعه منافع مشترک زمینه هم­سویی و هم­گرایی در جهت تغییرات ژئوپلیتیکی در سطح منطقه ایجاد خواهند کرد. چرا که آن­ها نیز به دنبال زنده کردن قدرت قبلی خود هستند، هرچند در سیاست­های اعلامی بیان می­دارند ما در پی کسب قدرت امپراتوری نیستیم، اما واقعیت این است که آنها به شدت به دنبال تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه می­باشند که قطعاً بدون همسو شدن با جمهوری اسلامی ایران ممکن نخواهد بود(رشید و همکاران،37:1399).

موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که در روند تحولات آسیای مرکزی و اوراسیا، کشوری محوری خواهد بود. در واقع بایستی با بهر­گیری حداکثری ازموقعیت بری\_بحری کشور، به دنبال ایفای نقش موثرتری باشد. نقش دریا در قدرت، روز به روز بیشتر شناخته شده است. تا جایی که حتی قدرت های غیر دریایی به فکر کنترل دریا ها افتاده اند.گرچه غربی­ها تمدن خود و قدرت دریایی را در مسیر سلطه­جویی و تجاوزگری­شان به­کار گرفته­اند، لکن زمان آن رسیده است که بار دیگر مسلمانان، به طور مشخص ایرانیان رسالت احیای تمدن نوین دریایی را با تلفیق معنویت اسلامی و برقراری صلح و عدالت به عهده گیرند.به دنبال دغدغه این پژوهش مبنی بر تاثیر جنگ روسیه و اوکراین بر تقویت استراتژی قدرت دریایی ایران، نگارندگان زمینه­های احیای تمدن نوین دریایی در این شرایط بوجود آمده را نیز مورد مطالعه قرار داده و تلاش نموده­اند که با ارائه راه­کارهای سازنده و هدف­مند بسترهای بالقوه احیای این تمدن را تشریح نمایند.

**5-تجزیه و تحلیل:**

**1-5-جنگ روسیه و اوکراین و تاثیر آن بر تقویت استراتژی دریایی ایران:**

بر هم کنش توازن قدرت در روابط بین قدرت‌های بزرگ در پی حمله نظامی روسیه به اوکراین، به منظور ایجاد یک منطقه حائل بین روسیه و ناتو می‌تواند در بردارنده فرصت‌ها و تهدیداتی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد. بدون شک سخن گفتن از ورود جهان به دوران جنگ سرد به دنبال فروریختن دیوار اعتماد بین قدرت‌های جهانی کمی زود به نظر می‌رسد با این حال، گمان می رود یکی از کمترین نتایج این رخداد، ترک برداشتن اجماع جهانی قدرت‌های بزرگ حول نظم موجود بین‌المللی باشد. از این رو جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه­ایی باید با در پیش گرفتن یک سیاستی مبتنی بر توازن مثبت به دنبال بهره‌برداری حداکثری از این شکاف فعلی ایجاد شده در روابط روسیه و غرب، به نفع منافع و امنیت ملی خود باشد. ساختار کنونی نظام بین الملل دو قطبی نیست که کشورها مجبور به طرفداری از یک طرف درگیر باشند، اما منافع کشورهایی که عمده رفتارهای آنها بازخورد بین­المللی دارد، تحت تاثیر بحران­های دامنه­داری، مانند اوکراین قرار خواهد گرفت. اوکراین دارای مرز مشترک با ایران نیست و در محیط منطقه­ای ایران قرار نمی­گیرد، لذا بیشتر در پرتو رقابت غرب و روسیه بر سر اوکراین منافع ایران تحت تاثیر قرار می­گیرد.

حمله نظامی روسیه به اوکراین و پیامدهای مختلف آن در سطح منطقه­ای و بین­المللی توجه ویژه تحلیل­گران سیاسی و روابط بین­الملل را به خود جلب کرده است. جنگی که از ابعاد گوناگون بر امنیت اروسیا، نظم روابط بین­الملل، بحران غذا، بحران انرژی و مواردی از این دست، تأثیرگذار بوده است. در رابطه با چرایی آغاز این جنگ تحلیل‌های مختلفی ارائه شده، اما بدون شک رویکرد ژئوپلیتیک و توجه به اهميت امنيتي و اقتصادي مناطق دريايي در سياست خارجي روسيه، یک مسئله اساسی است که نباید به هیچ وجه از آن غافل شد. هیچ کشوری در سراسر دنیا برای ایجاد امنیت و ایمنی در دریا از منابع کافی برخوردار نیست. دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، سازمان های بین المللی و بخش خصوصی به منظور مقابله با تهدیدات نوظهور و پیشبرد منافع مشترک باید همکاری­های لازم را شکل دهند. این همکاری­ها به ویژه در زمینه امنیت دریایی، مبارزه با جرایم دریایی از جمله تروریسم و اشترا­ک­گذاری و تبادل اطلاعات ضرورت دارد.

رمز تاکید دوباره روسیه بر قدرت دریایی این است که این کشور متقاضی به دست آوردن سهم و قدرت خود در نظام بین­الملل است. روسیه نیروی هوایی و زمینی قوی دارد اما در حوزه دریایی ضعیف است و به دنبال پر کردن این خلاء بر­آمده است. در این میان کشورهایی همانند ایران که در روابط میان روسیه و غرب جایگاه مهمی دارند، خواه ناخواه تحت تاثیر رقابت‌های بین­المللی قرار می­گیرند. همکاری­های تهران و مسکو در دو دهه اخیر در ابعاد گوناگون، با وجود برخی نارسائی­ها جریان داشته و بویژه در حوزه‌های امنیتی و دفاعی بسیار جدی­تر بوده است، لذا تلاش گردیده در ادامه با تاکید بر تعامل در حوزه دریایی و ارتقا سطح همکاری در راستای افزایش قدرت دریایی دو کشور، با نگاه به مفهوم استراتژی قدرت دریایی و جنبه­های قدرت ملی که به منافع ملت در دریا مرتبط است، زمینه­های تدوین استراتژی دریایی هدف­مند و طرح‌های عملیاتی بلند مدت، برای بهره­گیری بهتر ایران از شرایط موجود (تقابل روسیه با غرب در جنگ اوکراین) بررسی و تشریح گردد. از این رو راهکارهای ممکن در جهت تحقق مؤلفه­های مهم استراتژی قدرت دریایی، با محوریت سیاسی، اقتصادی، دفاع ساحلی، امنیت مرزها، مشارکت در نگرانی­های منطقه ای و تولید قدرت با استفاده از اقیانوس­ها در این بخش عنوان می­گردد.

**1-1-5-حضور روسیه در خلیج فارس عامل موازنه و کاهش قدرت دریایی نیروهای بیگانه:**

روسیه از نظر استراتژیک قدرت قاره­ای محسوب می‌شود .به واقع از آرزوهای این کشور حداقل از زمان پتر کبیر دسترسی به آبهای گرم و آزاد بوده است، در این راستا دسترسی روسیه به اوکراین و به خصوص شبه جزیره کریمه که به دریای سیاه دسترسی دارد برای روسیه اهمیت فوق­العاده مهمی دارد .در سال ۱۹۱۳ هنگامی که آلمان در پی معاهدات خود با ترکیه عثمانی در پی تسلط بر تنگه­های بسفر و داردانل بود، نیکلای دوم این عمل را محبوس ساختن روسیه در دریای سیاه عنوان کرد و تهدید نمود در صورت اجرای چنین معاهداتی روسیه با تمام قوا در مقابل آن خواهد ایستاد(کسینجر،319:1383).

امروز نیز روسیه با الحاق کریمه به خاک خود در واقع نشان داد اهمیت راهبردی شبه جزیره کریمه برای آن­ها تا بدان جاست که بازتاب­های بین­المللی در قبال اتخاذ این سیاست در مقایسه با تضمین دسترسی به آب­های آزاد و گرم چندان اهمیتی ندارد. دسترسی و کنترل هرچه بیشتر روسیه به آب­های آزاد موقعیت دریای مسکو را در دریاها تقویت خواهد نمود و به تبع آن ایران به عنوان متحد روسیه نقطه قابل اتکاتری در دریاها خواهد یافت، چنان­که در بحران سوریه ناوهای دریایی روسیه نقش قابل توجهی را در دریای مدیترانه، بندر طرطوس و انتقال سلاح به سوریه ایفا نموده­اند .همچنین حضور پررنگ روسیه در خلیج فارس می تواند عامل موازنه­ای در مقابل نیروی دریایی آمریکا باشد. براساس راهبرد جدید جمهوری اسلامی ایران مبنی بر خروج آمریکا از منطقه پس از ترور سردار قاسم سلیمانی، به نظر می‌رسد برخلاف بسیاری از سیاست‌های کلان آمریکا که در عمل سعی دارد از متحدان اروپایی و آسیایی برای نقش‌آفرینی بیشتر در خلیج فارس با شرکای سنتی و حکام عرب بهره ببرد، ایران می­تواند با تعامل با روسیه و اجازه حضور رسمی شناورهای این کشوردر آب­های خلیج فارس، زمینه تقابل موثر و غیر مستقیم با آمریکا و نیروهای بیگانه را با هزینه‌های کمتر فراهم کند و از قدرت یکجانبه‌گرایی کاخ‌سفید در امور منطقه و خاورمیانه بکاهد.

**2-1-5-حضور دائم و رسمی ناوگان دریایی ایران در بنادر دریای مدیترانه:**

بدون شک امروزه کنترل بر دریا می‌تواند سبب مدیریت شریان‌های اقتصادی شود. چنین واقعیتی برای کشوری مانند ایران که دو سوی جغرافیای آن را آب فراگرفته و در‌حال تحریم نیز هست، اهمیت مضاعفی می‌یابد. افزایش تلاش‌های کشور درتوسعة نیروی دریایی در خلیج فارس و آب‌های آزاد از سال­های گذشته موید این امر است که با‌ شدت گرفتن جنگ اقتصادی علیه ایران، احاطه و کنترل مسیرهای دریایی در محیط پیرامونی برای ایران با تاکید آیت‌الله خامنه‌ای محتاج «نیروی دریایی راهبردی» است. همان­طور که به گفته آلفرد ماهان در نزاع بین بازیگران، کشورهایی که در موقعیت دریایی برتری قرار دارند، از امکانات بیشتری برای در دست گرفتن ابتکار عمل برخوردار هستند.

محدودیت‌های ایران در محیط پیرامون و نظام بین‌الملل ایجاب می‌کند که، بواسطه ناوگان کشتی­رانی تجاری و نیروی دریایی ارتش، برای کسب جایگاه و تضمین بازرگانی بین‌المللی، چشم‌اندازهای دریایی جدیدی برای خود در محیط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعریف و عملیاتی گرداند. لذا مسئله ژئوپلیتیک دریایی و در این مورد حضور در دریاهای دور مطرح می­شود. حضور در دریای مدیترانه با بهره برداری از بندر لاذقیه، که از لحاظ اقتصادی برای ایران، بندر بسیار مهم و استراتژیکی است و دروازه ورود به اروپا از طریق دریا به حساب می‌آید؛ یکی از این دریاها می­تواند باشد. هم­چنین توجه بیشتر به تعامل و مشارکت در رزمایش­های مشترک دریایی با روسیه و حضور شناورهای نیروی دریایی ارتش ایران در بندر طرطوس از مصادیق ارتقاء توان قدرت دریایی ایران می­باشد. روسیه و سوریه در ژانویه ۲۰۱۷ قراردادی را امضا کردند که به موجب آن قلمرو پایگاه دریایی روسیه در طرطوس گسترش خواهد یافت و مدت آن نیز ۴۹ سال خواهد بود و اگر دو طرف هدف خود را برای پایان دادن به آن اعلام نکنند برای ۲۵ سال بعد نیز تمدید خواهد شد .بنابر این قرارداد پایگاه باید مصونیت کامل داشته باشد ،یعنی به شکل کامل خارج از صلاحیت دولت سوریه عمل کند و تجهیزات منقول و غیر منقول روسیه نباید شامل هیچ گونه ضبط و اقدام اجرایی دولت سوریه قرار گیرد.(TASS, 2017)

مهم‌ترین دلیل تمایل روسیه به دراختیارداشتن این بندر در ساحل دریای مدیترانه، رقابت این کشور با ناتو است. در صورتی که روسیه کنترل خود بر این بندر را از دست بدهد، درواقع کنترل بخش شرقی دریای مدیترانه تقریبا به طور کامل در اختیار ناتو قرار می‌گیرد. از این رو شهر بندری طرطوس در روابط روسیه و سوریه دارای اهمیتی استراتژیک است. مداخله مشروع و همراهی روسیه با ایران در حل بحران سوریه، نشان داد که راهبرد روس­ها در قبال مناطق پر تنشی در جهان که آمریکا در آن به تعقیب منافع خود می پردازد، تغییر کرده و هم­سو با راهبرد ایران در تقابل با هژمون تک قطبی آمریکا گردیده­است. لذا به منظور توازن قدرتِ تحت نفوذ آمریکا در این منطقه، پذیرش حضور متحد قدرت­مندی هم­چون ایران در بندر طرطوس و همچنین لاذقیه، بالتبع دریای مدیترانه گزینه مناسبی برای روسیه و پیوستن به ائتلاف میان عراق، ایران و سوریه خواهد بود. اگرچه برخی معتقدند که مسکو پس از وارد آوردن ضرباتی بر پیکره تروریست­ها در عراق و سوریه به برخی همکاری­ها با آمریکا خواهد پرداخت، اما اقدامات نظامی مسکو در اوکراین نشان می­دهد که هیچ کشوری نمی­تواند در برابر دسیسه­های آمریکا در جهان نظاره­گر بوده و یا مواضع انفعالی در پیش گیرد. این استراتژی می­تواند برای ایران قدرت آفرین و راه­کاری برای افزایش حوزه نفوذ راهبردی دریایی ایران باشد.

**3-1-5-تعامل ایران با روسیه در بنادر دریای سیاه:**

گسترش ناتو در شرق اروپا، حوزه بالتیک و دریای سیاه باعث شد تا آمریکا در عمل بخش غربی و جنوب غربی روسیه را تحت نظر گرفته و به انجام رزمایش ها و تمرین های نظامی و نیز استقرار تسلیحات ویژه در آن بپردازد. از سوی دیگر روسیه تاکنون(آبان ماه 1401) دستاوردهای میدانی را در جبهۀ جنوب و جنوب شرقی اوکراین و مشرف به دریای سیاه داشته است. در واقع اوکراین پس از تسلط روسیه بر سواحل شمالی دریای سیاه، به کشوری محصور در خشکی تبدیل خواهد شد و بازیگران مؤثر در حوزه این دریا به دو کشور روسیه و ترکیه تقلیل خواهند یافت. به طور قطع روسیه، صرف نظر از نتیجه جنگ، خواهان استیلای بیشتر در دریای سیاه می­باشد، و در این راستا ایران می­تواند در نقش شریک اقتصادی،سیاسی و امنیتی موثر، در قبال حضور و دسترسی روسیه به آب­های خلیج فارس از طریق ایران، حضور دائمی خود را در بنادر روسی دریای سیاه تثبیت نموده و مؤلفه­های افزایش قدرت دریایی خود را، با توسعه نفوذ دریایی در حوزه دریای سیاه ارتقاء دهد.

**4-1-5-هم­گرایی بیشتر ایران و روسیه در حل رژیم حقوقی دریای خزر:**

با آغاز این جنگ به نظر می‌رسد روسیه برای تغییر پیکره نظم یک جانبه بین المللی مصمم است و مواضع بسیار متفاوتی نسبت به کشورهای منطقه خاورمیانه اتخاذ کرده که می­تواند پیامدهای قابل ملاحظه‌ای برای غرب به همراه داشته باشد. توسعه همکاری‌های راهبردی و دریایی با هند و همکاری‌های گسترده‌تر با ایران، عراق و سایر کشورهای منطقه می­تواند از جمله این راهبرد جدید روسیه باشد. در همین راستا روابط روسیه \_ ایران بسیار مهم تلقی می­شود ،زیرا هر دو کشور تحت تحریم­های غرب هستند و احتمال همگرایی بیشتر میان منافع دو کشور وجود دارد .این همگرایی می‌تواند به حل‌وفصل بهتر اختلافات حقوقی پیرامون دریای خزر، حصول توافق ماندگار و البته تأمین منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران در این دریا کمک شایانی نماید. عمده چالش امنیتی موجود در منطقه خزر، برگرفته از نبود یک رژیم حقوقی برای این دریای بسته است. فقدان یک رژیم حقوقی مشخص، منجر به اختلاف و مشکلاتی در بهره‌برداری از منابع و میدان‌های مشترک دریای خزر، حضور مداخله جویانه قدرت‌های فرا منطقه‌ای نظیر ایالات‌متحده و ناتو در خزر، افزایش نظامی­گری در حوزه خزر و نیز خطرات و تهدیدات زیست‌محیطی در خزر گردیده است که هریک از آن‌ها به‌طور مجزا بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیر منفی می‌گذارد. هم­سویی و همگرایی دو قدرت این حوزه (ایران و روسیه) علاوه برترسیم چشم­اندازی روشن در حل این مشکل، با نفی حضور قدرت­های فرا منطقه­ایی، سبب افزایش قدرت دریایی دو کشور نیز خواهد شد.

**5-1-5-توسعه همکاری دفاعی-امنیتی دریایی روسیه با ایران:**

سابقه همکاری­های نظامی­\_امنیتی ایران و روسیه به گذشته برمی­گردد تا جایی که ایران پس از هند و چین، سومین وارد کننده تسلیحات و سیستم­های نظامی روسی بوده­است(کولایی،1378). در شرایط حال حاضر و با شروع جنگ روسیه با اوکراین ادامه همکاری­­های همه جانبه نظامی­\_امنیتی، بالاخص در حوضه دریایی از اهمیت ویژه­ای برخوردار است. تعامل در زمینه حضور مستشاران نظامی دو کشور در کشور دیگر، آموزش دانشجویان و نیروهای نظامی یکدیگر، انجام مانورهای مشترک دریای با هدف توسعه امنیت و شعار صلح و دوستی و تنظیم قراردادهای دو جانبه در راستای تعمیرات و مدرن سازی شناورهای نظامی و زیر سطحی­های کلاس مختلف می­تواند از جمله این دست­آوردها در راستای ارتقاء توان قدرت دریایی دو کشور باشد. در عین حال، گمانه‌زنی‌هایی نیز وجود دارد که روسیه با طولانی شدن مدت ‌بحران این جنگ و تحریم­های همه جانبه مسکو، دست نیاز به سوی ایران به عنوان کشوری با قدرت نظامی بالا، جهت تامین تسلیحات نظامی خود دراز نماید. این بدان معنی است که امروزه نه تنها ایران به کشوری ضعیف و منزوی تبدیل نشده بلکه می­تواند به لحاظ نظامی\_امنیتی نقطه اتکا و پشتیبانی کشورهای بزرگی همچون روسیه نیز باشد.

استمرار جهت­گیری­های تقابل گرایانه و تهاجمی ایران در برابر آمریکا و اسرائیل زمینه­های مناسبی را برای تقویت و توسعه این همکاری­ها با روسیه به همراه داشته­است. توسعه این همکاری­ها می­تواند برای روسیه نیز ظرفیت­های خوبی را فراهم آورد. مزایای گوناگون استراتژیکی، سیاسی و اقتصادی و همچنین بالا بردن قدرت چانه­زنی با آمریکا می تواند نمونه­ای از این دست­آوردها برای روسیه باشد.

**6-1-5-فروش نفت و گاز روسیه از طریق دریای خزر(سوآپ) فرصتی برای ایران:**

 با توجه به تحریم روسیه از ناحیه کشورهای غربی و با عنایت به تجارت بیش از 60 درصدی روسیه با کشورهای اروپایی، اکنون خلائی جدی در این زمینه برای اروپا به ‌وجود آمده است. اتحادیه اروپا در تلاش برای یافتن جایگزینی به جای روسیه است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر گاز در جهان و مجاورت جغرافیایی با قفقاز گزینه مناسبی برای انتقال گاز به اتحادیه اروپا است. ادامه نزاع اوکراین و روسیه باعث قوت گرفتن انتقال انرژی ایران به اروپا از راه قفقاز می­شود. این فرصت بسیار خوبی برای جمهوری اسلامی ایران است تا بتواند ارتباطات خود را با مشتریان منابع انرژی آسیای مرکزی بیشتر و مستحکم­تر نماید، تا با ارائه مشوق­های اقتصادی بهتر، با وجود تحریم­های غرب، نیاز آن­ها را با صادرات از ایران برآورده نماید.

از سوی دیگر مسکو یکی از راهکارهای موجود را برای کاستن از فشار تحریم­ها افزایش میزان تبادلات تجاری با ایران می­داند. در همین راستا روسیه و ایران قراردادهای نفتی در برابر کالا امضا کرده‌اند .بر اساس آن­چه به صورت رسمی اعلام شده دو کشور همکاری نزدیکی در بخش­های احداث و نگهداری تاسیسات تولیدی توسعه زیرساخت­های شبکه برق ،بخش نفت و گاز و تجارت ماشین آلات و تجهیزات کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی خواهند داشت .قطعا در این باره آمریکا نگران است که درآمد حاصل از این معاملات با مسکو مواضع منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را تقویت کند.

 عقد قراردادهای سوآپ با مسکو، صادرات نفت و گاز آن از طریق دریای خزر، صدور کالاهای روسیه به آسیای شرقی و جنوب شرقی از مسیر ریلی سرخس\_بندرعباس در حوزه نفت،انرژی و پتروشیمی و همچنین توسعه صادرات کالاهای مورد نیاز منطقه( مانند غلات و ...) از طریق ایران و تهاتر آن با سایر مشتریان روسیه، موجب تقویت نقش ایران در مناسبات سیاسی\_تجاری در حوزه دریای خزر و به تبع آن سبب افزایش قدرت دریایی این کشور بیش از گذشته می­شود، که آن نیز وزن ژئوپلیتیکی ایران را در منطقه ارتقاء خواهد داد. در واقع جمهوری اسلامی ایران بایستی با تلاشی جدی در تکاپو برای جذب این بازار و رونق تجارت از طریق دریای خزر باشد، تا بتواند اهمیت و جایگاه این حوزه آبی را برای ایران و منطقه بیش از گذشته روشن نماید.

**7-1-5-بهره حداکثری از مسیر دریای خزر در ترانزیت کالا در کریدور شمال\_جنوب:**

یکی از این حوزه‌های اهمیت دریای خزر، حوزه حمل و نقل است که مهم‌ترین بخش آن در اتصال به کریدور شمال\_جنوب است. این کریدور سه حوزه دارد که حوزه مرکزی آن ترکیبی است؛ یعنی از بندرعباس شروع می‌شود و به بنادر شمالی ایران (بندر امیرآباد، بندر انزلی و بندر کاسپین) ختم می‌شود و از دریای خزر وارد روسیه می‌شود و می‌تواند به شکل ریلی مسیرش را ادامه دهد. طبعاً کریدور شمال به جنوب کریدور بسیار مهمی است و می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران درآمدزایی داشته باشد. ضمن اینکه این کریدورها ضریب امنیتی را هم در داخل کشورها افزایش می‌دهد؛ چون کشورهای دیگر به این کریدورها وابستگی دارند. الان بسیاری از کالاهایی که از هند و از شرق آسیا به اروپا می‌رود، باید مسیر طولانی هفده هزار کیلومتری را بپیماید، درحالی‌که با محوریت ایران این مسیر به هفت هزار کیلومتر کاهش خواهد یافت و هم از لحاظ زمان و هم هزینه بسیار به صرفه است. توسعه دالان شمال-جنوب، ناظر به ایجاد خط کشتیرانی در دریای خزر و توسعه بنادر دو کشور، ساخت بزرگراه دور دریای خزر و توسعه خطوط راه آهن کشورهای عضو است .برای روسیه مناسب تر است که تبادل کالا با هند را از طریق ایران انجام دهد تا از طریق مسیر طولانی دریایی به دور آفریقا یا از طریق کانال سوئز تا سن پترزبورگ.

به طور کلی خطوط انتقال کالاها از کشورهای آسیایی به روسیه از طریق ایران از نظر مسافت ۳ تا ۴ برابر کوتاه­تر از مسیرهای موجود است. در حال حاضر به دلیل اینکه تناسب صادرات کالای روسی به ایران سه به یک است. کشتی­های حامل کالاهای روسی به ایران تقریباً خالی بر می­گردند، در حالی که می‌توانند کالاهایی را که از هند و آسیای جنوب شرقی ترانزیت می‌شوند، به روسیه حمل کنند. در صورت انتقال کالا از این کریدور مدت حمل بار از آسیای جنوب شرقی به اروپای غربی حداقل به میزان ۳ تا ۴ روز و هزینه ها به میزان ۲۰ تا ۱۵ درصد کاهش خواهد یافت(اخباری و همکاران،۱۴۰۱).

حمله روسیه به اوکراین تجارت در دریای سیاه را مختل کرد و نزدیک به یک سوم صادرات جهان را در معرض خطر قرار داد. بنادر اوکراین بسته است. مرز‌های غربی روسیه، مسدود شده و پس از آن، بسیاری از دولت‌ها، یکی پس از دیگری، مبادلات خود را با روسیه قطع کردند. در این میان استفاده از مسیر ترانزیتی دریای خزر، موقعیت ویژه‌ای در این حوزه برای ایران، به وجود آورده و یک مزیت مهم برای این کشور است که کریدور تجاری آسیای شرقی و جنوب شرقی را به اروپا متصل نماید. قطعاً ایران با استفاده از تامین زیرساخت‌ حمل بار از دریا به ریل و جاده می‌تواند این فرصت را به سایر مسیرها ندهد و زمینه ارتقاء قدرت دریایی را از طریق اقتصاد دریایی محقق کند. برای رونق بخشیدن به تجارت کالا و همچنین راه گذر شمال\_جنوب اقداماتی می‌توان بدین شرح صورت گیرد؛ از جمله:

 الف) تکمیل و تجهیز بنادر در ایران و روسیه

ب) راه اندازی خطوط کشتیرانی برای حمل کامیون در دریای خزر

ج) تقویت ناوگان حمل و نقل از طریق افزایش تعداد کشتی های بزرگ و کوچک در دریای خزر

د) حمل و نقل نفت و گاز از دریای خزر

**8-1-5-نمایش قدرت اشتراکی ناوگان دریایی روسیه و ایران در اقیانوس­ها:**

پیش­تر ناوگان نیروی دریایی روسیه، چین و ایران، رزمایش‌هایی را در آب­های شمالی اقیانوس هند برگزارکرده بودند. آخرین رزمایش از این دست رزمایش­ها با نام «رزمایش مرکب کمربند امنیت دریایی ۲۰۲۲» بود، که در منطقه‌‍ای به وسعت ۱۷ هزار کیلومتر مربع و با حضور یگان‌های سطحی و پروازی نیروهای دریایی ایران و یگا­ن­های شناوری نیروی دریایی کشورهای چین و روسیه با شعار «باهم برای صلح و امنیت» در شمال اقیانوس هند برگزار شد. پیام برگزاری این رزمایش­ها، رسیدن هر سه کشور به سطح معنادار و قابل توجهی از روابط نظامی است و همچنین نشان می‌دهد که امروز جمهوری اسلامی ایران به سطحی از قدرت در عرصه دریا رسیده است که می‌تواند محوریت و فرماندهی رزمایش‌ها در کنار قدرت‌های بزرگ دریایی را عهده‌دار شود.

حضور مقتدرانه و بلند مدت در آب­های دور دست، به این معناست که نیروی دریایی کشوری همچون ایران، ظرفیت پشتیبانی از نیرو‌های خود را در مناطق دور دست برای مدت‌های طولانی دارد. این حضور برای ایران مهم و ارزشمند است، چرا که تاکنون تجربه دریانوردی اقیانوسی در اطلس، دریای شمال و خلیج فنلاند توسط نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بدست آمده و این به معنای باز شدن دروازه‌های این مناطق به روی جمهوری اسلامی ایران است. استراتژی نیروی دریایی ایران از زمان ابلاغ تدبیر مقام معظم رهبری در دهه 90، مبنی بر توسعۀ دریانوردی‌ها، گسیل به سمت آب­های اقیانوسی و حضور پررنگ و قدرت­مند در این آب­ها بوده است. اکنون در زمان تقابل و رویایی جبهه غرب در اوکراین با روسیه، فرصتی مناسب است تا تهران با تشکیل ائتلاف دریایی مهم و استراتژیک با متحدان تجاری خود(چین و روسیه) به قدرت نمایی و عرضه اندام در برابر تک قطبی حاضر بپردازد و نشان دهد که آمریکا دیگر به ‌تنهایی بر جهان حاکم نیست و سرنوشت نظامی و سیاسی آن را تعیین نمی‌کند و دوران هژمونی آن در این چارچوب به‌سرعت در حال فرسایش است و هم وزن با دو ابرقدرت در این ائتلاف به افزایش توان­مندی خود پرداخته و هم­چنان از این حضور در اقیانوس­ها بالاخص اقیانوس آرام منتفع ­گردد.

**6-نتیجه گیری:**

روس­ها با تجربیاتی که از ادوار گذشته آموخته بودند، این­بار با الگوی تهاجمی‌تر در قبال اقدامات خرابکارانه غرب و ناتو به میدان آمدند و با مداخله نظامی و نمایش قدرت، سعی بر تغییر بازی ژئوپلیتیکی به سود خود دارند. واکنش غربی­ها در برابر این اقدام، موجب افزایش فشارها و تشدید تحریم‌ها علیه روسیه بود. روسیه به دنبال ایفای نقش موثر در معادلات جهانی و ارتقاء جایگاه خود در نظام بین­الملل و رشد اقتصادی و گسترش حوزه نفوذ خود می­باشد. در این راستا نیاز به انسجام سازمانی و سیاسی به نفع خود و هم­سو با ارزش­های مورد دفاع خود در سطح منطقه و جهان دارد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان متحد استراتژیک، با مواضع نزدیک­تر به روسیه و دارا بودن منافع مشترک بین دو کشور، گزینه مناسبی برای کرملین جهت توسعه مناسبات و همکاری­ها می­باشد. با این وجود جنگ روسیه و اوکراین می­تواند باعث برجسته شدن جایگاه ایران به عنوان قدرت منطقه ای مطرح شود. در رابطه با چرایی آغاز این جنگ تحلیل‌های مختلفی ارائه شده، اما بدون شک رویکرد ژئوپلیتیک و توجه به اهميت امنيتي و اقتصادي مناطق دريايي در سياست خارجي روسيه، یک مسئله اساسی است که نباید به هیچ وجه از آن غافل شد.

رمز تاکید دوباره روسیه بر قدرت دریایی این است که این کشور متقاضی به دست آوردن سهم و قدرت خود در نظام بین­الملل است. در این میان کشورهایی همانند ایران که در روابط میان روسیه و غرب جایگاه مهمی دارند، خواه ناخواه تحت تاثیر رقابت‌های بین­المللی قرار می­گیرند.در عین حال ایران می تواند فرصت­های پیش رو را در زمینه استراتژی قدرت دریایی از حالت بالقوه خارج و به وضعیت عملیاتی نزدیک­تر سازد. عملیاتی نمودن فرصت­ها می­تواند با تدوین راهکارهای استراتژی دریایی و تعامل دو سویه با مسکو برای تهران محقق گردد. با نگرش بر مفهوم نظری مقاله، تقویت استراتژی قدرت دریایی مستلزم تاکید بر رشد توان نظامی و اعمال قدرت در دریا، تقویت الگوی تعامل و حتی رقابت اقتصادی، توجه بیشتر به دیپلماسی در تقویت استراتژی دریایی، تبدیل تهدیدات و چالش­های منطقه­ایی به فرصت حضور مقتدرانه در دریا و تاکید بیشتر برجنبه­های قدرت دریایی از جمله اقتصاد دریایی می­باشد.

لذا ایران می­تواند در یک بازی دو سر برد با توجه به این بحران به وجود آمده، این تهدید را به فرصتی برای هر دو کشورتبدیل نماید. بازی که در آن روسیه با خروج از تنگناهای حاصله از تحریم و فشارهای غرب به یک منبع قدرت قابل اتکا اعتماد کند و به نتایج استراتژیکی خود دست یابد و از آن سو ایران نیز ضمن انتفاع اقتصادی و سیاسی از این ارتباط، با رویکرد مدبرانه ضمن تلاش بر پایان دادن به این بحران به احیا و گسترش تمدن نوین دریایی مورد نظر خود و برند سازی این مدل دریایی برای منطقه و جهان برسد. تا بر پایه­ی سابقه­ی پرشکوه و قدرتمند تمدنی ایران باستان و نیز تلفیق عناصر انسانی و اخلاقی تمدن­ اسلامی با عناصر تکنیکی و علمی تمدن غرب به الگوی یگانه و ممتاز بشریت تبدیل شود و در راستای افزایش قدرت دریایی، منزلت ژئوپلیتیکی خود را نیز در منطقه و جهان ارتقاء بخشد.

**7)راهکارها و پیشنهادات:**

بی­گمان سیاست اصولی و منطقی جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت حل و فصل سیاسی این منازعه، و پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین است و بر همین اساس به تلاش خود برای کمک به پیشبرد فرآیند سیاسی ادامه می­دهد. بنابراین بهترین سیاست برای ایران، همچنان حفظ بی طرفی در جنگ اوکراین و تلاش برای پایان دادن به آن و برنامه ریزی برای رفع اختلافات با آمریکا و اروپا و به جریان انداختن صادرات انرژی به کشورهای مختلف جهان به ویژه به کشورهای غربی است. از سوی دیگر به عنوان متحد روسیه می­تواند با اعمال سیاست­هایی در جهت حفظ این ارتباط و رفع مشکلات کشور و مرتفع نمودن برخی موانع پیش‌رو به ایجاد صلح پایدار منطقه کمک نماید. لذا در این پژوهش راهکارهایی برای اعمال نفوذ و قدرت ایران با محوریت استراتژی قوی دریایی پیشنهاد می­گردد تا ضمن تقویت قدرت استراتژی دریایی خود به احیا و توسعه تمدن نوین دریایی ایرانی بپردازد.

 الف) اعزام دائم و رسمی ناوگان دریایی ایران به بنادر دریای مدیترانه

ب) افزایش تعامل با روسیه در بنادر دریای سیاه

ج)هم­گرایی بیشتر با روسیه در حل رژیم حقوقی دریای خزر

د) توسعه همکاری دفاعی-امنیتی دریایی با روسیه

ه) فروش نفت و گاز وکالاهای روسیه از طریق دریای خزر به کشورهای آسیای جنوبی و شرقی

و) بهره­مندی حداکثری از مسیر دریای خزر در ترانزیت کالا در کریدور شمال\_جنوب

ز) نمایش قدرت اشتراکی ناوگان دریایی روسیه و ایران در اقیانوس­ها با برگزاری رزمایش­های بزرگ

نکته:

**منابع:**
ـ ابن خلدون، عبدالرحمن، (1359). "مقدمه"، ترجمه محمد پروین کنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

-اخباری،محمد؛قاضی،حسین و غفارلو،اکبر.(1401)."برسی نقش ترانزیت ریلی بر ارتقا منزلت ژئوپلیتیکی بندر چابهار".فصلنامه بین­المللی ژئوپلیتیک.دوره 18.شماره 67.صص70-100

-بهمن،شعیب(1393)."بازیگران بحران اوکراین".مجله سیاسی راهبردی بصائر.سال 31.شماره 340

-بهمن،شعیب.(1394)."تاثیر بحران اوکراین بر روابط روسیه و آمریکا".فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام.سال پانزدهم.شماره 61

-ترابی،قاسم و کیانی،فریبا.(1393)." تبیین سیاست خارجی روسیه در قبال بحران اوکراین از منظر واقع گرایی ساختاری تدافعی". نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز . شماره87

ـتوین بی،آرنولد.(1376). "خلاصه دوره دوازده جلدی بررسی تاریخ تمدن"، ترجمه محمدحسین آریا، امیرکبیر

- دورانت، ویلیام.(1391)." تاریخ تمدن مشرق زمین گاهواره تمدن".ترجمه احمد آرام، عسگر پاشایی، امیرحسین آریان پور.علمی فرهنگی. جلد اول.

-رشید،غلامعلی؛نظامی پور،قدیر؛علیپور؛عباس و خادمی،مجید.(1399)."قدرت منطقه­ای ایران و تاثیر آن بر همسو شدن سیاست خارجی روسیه".فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک.سال هجدهم.شماره 82.مقاله یکم.ص 13-38

-عزتی،عزت الله.(1387)."ژئوپلیتیک".انتشارات سمت.تهران

-کالین، اس گری.(1385)."ساختار شناسی راهبرد".ترجمه علیرضا فرشچی.چاپ اول. انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.

-کسینجر،هنری.(1383)."دیپلماسی".ترجمه فاطمه سلطانی یکتا.تهران.انتشارات اطلاعات

.-کریمی پور،یدالله؛ربیعی؛حسین،مجتهدزاده،پیروز و ضرغامی،ابراهیم.(1397)."استراتژی دریایی و قدرت ملی(رویکردی نو به استراتژی دریایی).فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی. سال هشتم،شماره 33،صص 212-189

-کولایی،الهه.(1389)."سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی.تهران.سمت

-نسرین دخت،نصرت.(1385)."تغییرات سیاسی یا انقلاب، مورد اوکراین".رویدادها و تحلیل ها .شماره 198

-نونژاد،محمد و کریمی،مرتضی.(1397)." تقابل روسیه و آمریکا در اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی ایران". فصلنامه مطالعات روابط بین­الملل، سال یازدهم، شماره 41 ،بهار 1397 ،ص 145-175

-Alpher Yossi. (2014)."The Ukraine/Crimea Crisis: ramifications for the Middele East". Available at: www.opendemocracy.net/north-africa-west-asia/yossi-alpher.

-Delanoe.Igor. (2014),"After the Russian Maritime Power in the Black sea".Southeast European and Black Sea Studies, vol.14, no.3, pp.367-382.

-Dougherty, J. & Faltzgraf, R. (1998)."Competing theories of international relations. Tehran .ghomes publication.

-Geoffrey.Till. (2004)."Sea power (London / protland: Frank Cass, 2006), first published.

-Hattendrof.John B. (2013)."What is a Maritime Strategy, sea power centre, Australia, [www.navy.gov.au/spc](http://www.navy.gov.au/spc).

- Mahan, A. T. (1889). The Influence of Sea Power upon History 1660-1783. Boston, Dover Publications

- Modelski, G. Thompson, W. R. (1988). Seapower in Global Politics, 1494-1993. London, Macmillan Press LTD

-Moroney, Jennifer D.P [et al].(2002)."Ukrainian Foreigan Policy and Security Policy", Westpor prager publisher.

-Office of Navel Intelligence. (2015)."The Russian navy-a historic Transition"Available at:<https://fas.org/nuke/guide/russia/historic.pdf>. Accessed on. 25/12/2016

-Putin, Valadimir. (2014).Address by apresident of the Russian Federation .Available at: http://eng.kermlin.ru/transcripts/6889,accessed on: 2015/7/3

-Srivastava, Nitika. (2016)."Russia`s Naval resurgence in Eurasia".journal, No.2, pp.1-16

- Sputnik (2015) Malaysia Airlines Boeing Crashes in Ukraine, Available at: [**http://www.sputniknews.com**/](http://www.sputniknews.com/), Accessed on: 2015/7/12.

-TASS.(2017)."Russia will use naval base in Tartus and Syria`s Hmeymim base on disinterested terms", Available at: <http://tss.com/defense/926348>, Accessed on1/2/2017

- The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation. (2016)."Policy Concept of the Russian Federation (Approved by President of the Russian Federation Vladimir Putin on November 30Nov. 2016), Available at: [www.mid.ru/en/foreign\_plicy/official\_documents/-/asset\_publisher/](http://www.mid.ru/en/foreign_plicy/official_documents/-/asset_publisher/) CptlCkB6BZ29/ content/id/2542248, (Accessed on: 30/1/2017).

-Wang, Wan. (2015)."Impact of Western Sanctions on Russia in the Ukraine crisis".Journal of Politics and law.vol.8 (2).

-Willett, Lee. (2009),"The Navy in Russia", No.1, pp.50-55

-Widen, J.J. (2015),"21st Century Mahan: Sound Military Considerations for the Modean Era", the mariner`s mirror, Vol.101, NO2, pp252-253